



مرکز پژوهش‌های اسلامی
موسسه تخصصی‌های پژوهشی

گازنامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

نعم

شماره نهم / اردیبهشت هزار و سیصد و نود و پنج

این البرصیون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ

ای که برای هر چیزی به او امید دارم، و از خشمش در هر شری ایمنی جویم

شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي

ای که می دهد (عطای) بسیار در برابر (طاعت) اندک، ای که عطا کنی به

مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ

هر که از تو خواهد، ای که عطا کنی به کسی که از تو نخواهد، و نه تو را

يَعْرِفُهُ مَحْتَنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ،

بشناسد از روی نعمت بخشی و مهربوری، عطا کن به من به خاطر

جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ

درخواستی که از تو کردم، همه خوبی دنیا و همه خوبی و خیر آخرت را و

عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا، وَشَرِّ

بگردان از من به خاطر همان درخواستی که از تو کردم، همه شر دنیا و شر

الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ،

آخرت را، زیرا آنچه تو دهی چیزی کم ندارد (بها کم نیابد)،

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ* يَا ذَا الْجَلَالِ

ببخز بر من از فضلت ای بزرگووار ای صاحب جلال و بزرگواری، ای

وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمُنِّ

صاحب نعمت و جود، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای صاحب

وَالطَّوْلِ، حَرِّمِ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ

بخشش و عطا حرام کن محاسم را بر آتش دوزخ



- چگونه طلبه ای موفق باشیم؟
- امر به معروف و نهی از منکر
- حجاب زن حق الله است
- نقطه سر خط
- شیوه‌های تبلیغ
- وظایف منتظران

اللهم احسن الرعم



گاهنامه ۶

اجتماعی، سیاسی، فرهنگی



صاحب امتیاز : مدرسه علمیه الزهراء کازرون

مدیر مسئول : سمیه کشاورز

سر دبیر : ملیحه عوض زاده

صفحه آرایی : فاطمه مرادی

تایپ : زهرا زارع

طرح جلد : محدثه دریاب

قیمت : ۲۵۰۰ تومان

نشانی : کازرون، بلوار علامه دوانی،

مدرسه علمیه الزهراء کازرون

تلفن : ۰۷۱-۴۲۲۲۱۲۲۹

✓ ناعمه آماده دریافت مطالب و تصاویر زیبای شماست.

✓ ناعمه امیدوار است رضایت شما را جلب کرده باشد.

✓ ناعمه منتظر انتقادات و پیشنهادات شماست.

معنای ناعمه:

«وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ» سوره ی غاشیه آیه ی ۸

« چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند.»

کلمه ی ناعمه در آیه ی فوق از ماده نعم و اسم فاعل مونث است و به معنای شادمان و خندان آمده است و نیز یکی از نام های حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد. از آنجا که حضرت زهرا سلام الله علیها در روز قیامت به خاطر وفور نعمات الهی بسیار شادمان و خندان هستند، ایشان را ناعمه نامیده اند.

- ۱ / در محضر یار
- ۲ / سرمقاله
- ۳ / سر دلبران
- ۴ / نیایش
- ۵ / نشانه های دوست خوب
- ۶ / طنز انشا
- ۷ / طریق عارفان
- ۸ / چگونه طلبه ای موفق باشیم؟
- ۹ / شیوه های تبلیغ
- ۱۰ / وظایف منتظران
- ۱۱ / چه لذتی دارد این حجاب
- ۱۲ / حجاب زن حق الله است!
- ۱۳ / توصیه هایی ارزشمند برای زوجین
- ۱۴ / شاعرانه های طلبگی
- ۱۵ / طب اسلامی
- ۱۶ / آشپزی ایرانی
- ۱۷ / معرفی کتاب
- ۱۸ / رهبری و کتاب
- ۱۹ / چکیده های برتر
- ۲۰ / یاد یاران
- ۲۱ / امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۲ / جدول

در محضر یار

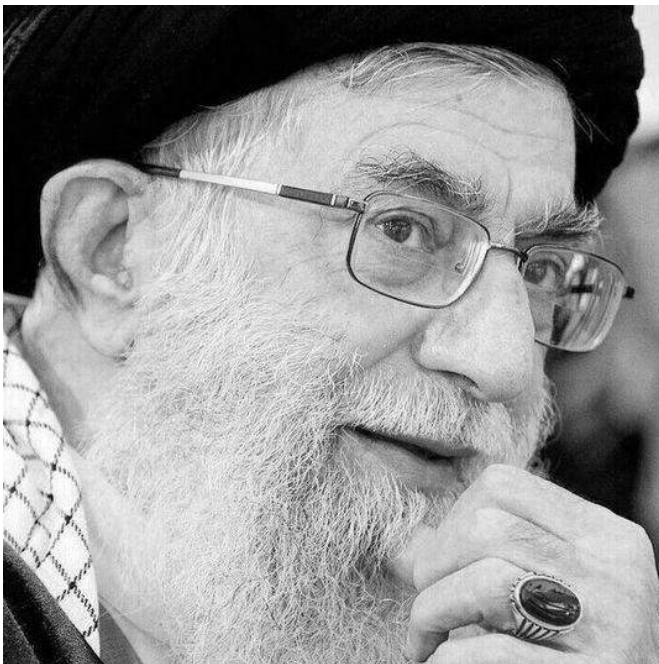
من از جوانان سه چیز می‌خواهم: تحصیل، تهذیب، ورزش.

دوره جوانی دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار رود؟ به اعتقاد من باید عمدتاً در تحصیل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه تقوا در خود، و ایجاد نیروی جسمانی در خود - که ورزش باشد - به کار رود. این سه مورد، عمده است، یعنی اگر در یک جمله کوتاه از من بپرسند که شما از جوانان چه می‌خواهید، خواهم گفت: تحصیل، تهذیب، ورزش. من فکر می‌کنم که جوانان باید این سه خصلت را دنبال کنند. تحصیل اعم از تحقیق و کارهای علمی هم است. چون این نیرو در جوانان هست بایستی در کار تحصیل علم خیلی تلاش کنند. هر کاری هم بخواهید بکنید در دوران جوانی می‌شود کرد. یعنی در هر سه زمینه - هم در زمینه علمی، هم در زمینه تهذیب نفس و هم در زمینه ورزش - باید در جوانی کار کنید.

برگرفته از کتاب نکته‌های ناب، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷. ص ۵۰



اوصاف یار در کلام یار



خدا کند که کسی حالتش چو ما نشود
 ز دام خال سیاهش کسی رها نشود
 خدا کند که نیفتد کسی ز چشم نگار
 به نزد یار، چو ماه پست و بی بها نشود
 جواب ناله‌ی ما را نمی‌دهد دلبر
 خدا کند که کسی تجسس‌الدعا نشود
 شنیده‌ام که از این حرف، یار خسته شده
 خدا کند که به اخراج ما رضا نشود
 مریض عشقم و من را طبیب لازم نیست
 خدا کند که مریضی من دوا نشود ...



به نام خدا

ما آدما همیشه دنبال یه موقعیت می گردیم تا اشتباهات گذشته رو کنار بذاریم و از اول زندگیمون رو شروع کنیم. همیشه میگی میخوام همون بشم که خدا دوس داره. اون طوری بشم که دیگه مثل گذشته هیچ خطایی نداشته باشم.

همیشه میگی از فردا شروع می کنم. از فردا دیگه جوری میشم بندهای خدا که هیچ، خود خدا هم برام کف بزنه.

اما فردا که میاد بازم هیچی

فردا که میاد با خودمون میگی حوصله ندارم، بذار یه روز دیگه. طوری رفتار می کنیم که انگار مرگی رو که از رگ گردن به ما نزدیکتره هرگز سراغ ما نمیداد و فراموش میکنیم که امام علی علیه السلام فرمودند: «فرصت ها همچون ابرهای بهاری درگذرند»^۱.

شاید نباید دنبال موقعیت بگردیم و باید از همین الان شروع کنیم. ولی خوب میدونم که ماه رجب نقطه شروعی برای جبران تمام گذشته های ماست.

ماهی که ماه خداست و درهای رحمت خداوند متعال برای همه ما گشوده شده. ماهی که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم درباره اون میفرمایند: «ماه رجب ماه استغفار است من است پس در این ماه بسیار طلب امرزش کنید که خداوند آمرزنده و مهربان است»^۲.

سردلبران مهشید اسماعیل زاده

ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل کرده که حضرت فرمود :

سوگند به خداوندی که مرا به حق مبعوث کرد و برای بشارت و هشدار برانگیخت، عرش و کرسی استوار نگردید، دنیا ایجاد نشد و آسمان و زمین مستقر نشد، مگر بعد از این که خداوند بر هر یک از آنها نوشت: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله.

پس پیامبر فرمود: همانا هنگامی که خداوند مرا به آسمان ها عروج داد، با ندای لطیفش مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود: ای محمد! عرض کردم: لیبیک، ای معبود من!

پس خداوند فرمود: من محمودم و تو محمدی. نام تو را از نام خودم گرفتم و تو را بر همه ی نیکان و پاکان از بندگان خود برتری دادم. پس تو هم علی را بر بندگانم نصب کن، مانند علمی که خلق را به دین من هدایت و راهنمایی می کند.

ای محمد! من مؤمنین را برگزیده ترین بندگانم قرار دادم و علی را امیر آنها گردانیدم. هر کس بر او امارت کند و حکم راند، او را لعنت کنم و هر کس مخالفت او کند، او را عذاب کنم و هر کس اطاعت او کند، او را از مقربین درگاه خود گردانم.

ای محمد! من علی را امام مسلمین قرار دادم. هر کس در امامت بر او پیشی گیرد، او را ذلیل کنم و کسی که معصیت او کند، او را در زمره ی جفاکاران داخل گردانم.

پس فرمود: همانا علی را سرور اوصیاء، رهبر پیشانی سفیدان و حجت خود را بر همه خلق قرار دادم.^۳

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۱

۲. مفاتیح الجنان، باب دوم، فصل اول، در فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

۳. سردلبران در حدیث دیگران / ابن شاذان قمی، ترجمه و تصحیح ایاد کمالی اصل / ص ۹۹، ۱۰۰ / المنتقیه الرابعه و العشرون



خدایا، بر محمد و آل او درود بفرست و بسترهای کرامتت را برایم بگستر و مرا در آبشخورهای رحمتت درآور، و در میان بهشت جای ده، و دست رد بر سینه ام مزن، و با نومییدی و تهی دستی از خود محروم مساز.

خدایا، حاجتم را روا کن، و خواسته ام را برآور، و گناهانم را بیامرز، و از ترسم ایمن ساز که تو به هرچیز توانایی و آن خواسته ها بر تو آسان است؛ اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

خدایا! به محمد و آل محمد درود فرست و به من رحم کن، و تویی که خود را بخشاینده نامیده ای؛ پس از من درگذر.

خدایا، نیتم را به لطف خود کامل ساز، و یقینم را به آنچه نزد توست (از امور اخروی) درست و استوار گردان، و امور تباهم را به قدرت خویش اصلاح فرما.

خدایا، مرا به نیکوترین و نمونه‌ترین راه ببر، و چنان کن که به آیین تو زندگی کنم و بمیرم.

صیغه سجاریه

نشانه‌های دوست خوب زهرا ایزدان خواه

به طور کلی دوست خوب نشانه‌هایی باید داشته باشد که ملاک دوستی قرار گیرد.

در روایتی نورانی از امام صادق (سلام الله علیه) می‌خوانیم که فرمودند:

دوستی مرزهایی دارد که هر کس همه یا برخی از آنها را داشته باشد، دوست است و گرنه او را اصلا دوست به حساب نیاور:

نخست این که ظاهر و باطنش با تو یکی باشد؛

دوم این که آبروی تو را آبروی خودش بداند و عیب و بی‌آبرویی تو را عیب و بی‌آبرویی خودش؛

سوم این که مال و منصب او را نسبت به تو عوض نکند؛

چهارم این که هر کمکی از دستش برمی‌آید از تو دریغ نکند

و پنجم، که در بردارنده همه‌ی این خصلت هاست، این که در هنگام گرفتاری تو را تنها نگذارد.

انکشاف / ۲: ۶۳۹



موضوع انشا : ازدواج

مهریه کشتاسبی

هروقت من یک کار خوب می‌کنم مامانم می‌گوید بزرگ که شدی برایت یک زن خوب می‌گیرم. تا به حال من پنج تا کار خوب کرده‌ام و مامانم قول پنج تایش را به من داده است. **حتمن** ناصرالدین شاه خیلی کارهای خوب می‌کرده که مامانش به اندازه‌ی استادبوم آزادی برایش زن گرفته. ولی من **مؤتقدم** که **اصولن** انسان باید زن بگیرد تا آدم شود چون بابایمان همیشه می‌گوید مشکلات انسان را آدم می‌کند. در **عزدواج تواهم** خیلی مهم است یعنی دو طرف باید به هم بیایند. مثلن من و حیوونکی آهو دختر همسایون خیلی به هم **می‌یام**. از **لهاز** فکری هم دو طرف باید به هم بخورند. آهو چون چهار سانش است هنوز فکر ندارد که به من بخورد ولی مامانم می‌گوید این آهو از تو بیشتر **هالیش** می‌شود. در **عزدواج سن** و **سال اصلن** مهم نیست. چه بسیار آدم‌های بزرگی بوده‌اند که کارشان به **تلاغ** کشیده شده. مهم **اشق** است! اگر **اشق** باشد دیگر کسی از شوهرش سکه بهار نمی‌خواهد و دایمی آترین هم از زندان درمی‌آید من تا حالا کلی سکه **جم** کرده‌ام و داخل قُلق بهار خواهرم ریختم تا اون بشکنم و هم‌اش را به آهو بدهم تا **بعدن** به زندان نروم تازه اسم خواهرم را خودم بهار گذاشتم تا نخواهم دنبال سکه‌ی بهار بگردم. مهریه و **شیربلال** هیچ کس را خوشبخت نمی‌کند همین خرج‌های **ازافی** باعث می‌شود که زندگی سخت بشود و سرخرج عروسی دایمی آترین با پدرخانومش حرفش شود دایمی آترین می‌گفت پدرخانومش چترباز بود.. خوب شاید حقوق چتربازی خیلی کم بوده که نتوانسته خرج عروسی را بدهد البته من و آهو **تفافن** کرده‌ایم که به جای شام عروسی **چیسی** و پفک بدیم هم ارزان‌تر است هم خوشمزه‌تر

است تازه وقتی می‌خوری ش‌خش‌خش می‌کنه. اگر آدم زن خانه‌دار بگیرد خیلی بهتر است وگرنه آدم مجبور میشود خودش خانه بگیرد زن دایمی آترین هم خانه‌دار نبود و دایمی آترین مجبور شد یک زیرزمینی بگیرد می‌گفت **رهم** و اجاره بالاست آنها رفته‌اند پایین! اما خانوم دایمی آترین هم می‌خواست برود بالا. **حتمن** از زیرزمین می‌ترسید. آهو هم از زیرزمین می‌ترسد. برای همین هم برایش توی باغچه یک خانه درختی درست کردم. اما آهو از آن بالا افتاد و پاش شکست از آن موقه مامان آهو با من قهر است بابا **دورغ** نمی‌گفت که مادرزن وزیر جنگ است. همیشه با من دعوا می‌کند مامان آهو میگه چی از جون دخترم می‌خوای. ولی آهو با من قهر نیست برایش یه شاخه گل قرمز از تو باغچه چیدم و از تو پنجره برایش انداختم ولی آگه مامان آهو بخواد همیشه با من دعوا کنه کار من هم **مسئل** دایمی آترین میشه که خانمش میزد. ولی من مادرخانوم را می‌زنم تا اینقدر دعوا نکند ولی می‌ترسم **بندازدم** زندان **مسئل** دایمی آترین فهمیدم به حیوونکی آهو میگم آگه اینقدر ممانت منو دعوا کنه میرم دختر حسن آقا بقال میگیرم‌ها که باباش اون **دفعی** به من گفت دامادم **می‌شی** چه پسر خوبی هستی تازه ش‌هم هرگاه چیزی خواستم مجانی میرم تو مغازه حسن آقا برمی‌دارم ولی من آهو بهش قول دادم که می‌گیرمت پس اول با آهو **عزدواج** می‌کنم اگر مادرش زیاد دعوا کرد می‌رم غسل دختر حسن آقا بقال می‌گیرم.

این بود انشای من.

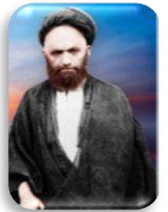


آیت الله بهجت رحمه الله علیه:



تکان می خوری بگو یا صاحب الزمان، می نشینی بگو یا صاحب الزمان، برمی خیزی بگو یا صاحب الزمان...
صبح که از خواب بیدار می شوی مودب بایست و صحبت را با سلام به امام زمانت شروع کن و بگو آقا جان دستم به دامانت،
خودت یاری ام کن، شب که می خواهی بخوابی اول دست به سینه بگذار و بگو السلام علیک یا صاحب الزمان و بعد بخواب.
شب و روزت را به یاد محبوب سر کن که اگر اینطور شد، شیطان دیگر در زندگی تو جایگاهی ندارد، دیگر نمی توانی گناه کنی،
دیگر تمام وقت بیمه ی امام زمانی ...

آیت الله سید قاضی رحمه الله علیه:



نماز را بازاری نکنید، اول وقت به جا بیاورید. با خضوع و خشوع! اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می ماند.
تسبیحه ی صدیقه ی کبری و آیه الکرسی در تعقیب نماز ترک نشود.
کتاب تعلیم وجود، محمد لک علی آبادی

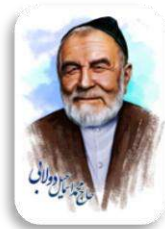
علامه حسن زاده ی آملی :



آیا میدانی نمازت رزقی است از سوی خدا؟ چه بسا خیلی از انسان ها نماز نمی خوانند!
اذکاری که صبح و شام می خوانی رزق است.
یا زمانیکه خواب هستی سپس ناگهان بیدار می شوی، به تنهایی و بدون زنگ زدن ساعت بیدار می شوی و نماز می خوانی
رزق است، چون بعضی ها بیدار نمی شوند...
زمانیکه با مشکلی روبرو می شوی، خداوند صبری به تو می دهد که چشمانت را از آن بپوشی . این صبر، رزق است.
زمانیکه در خانه لیوانی آب به دست پدرت می دهی، این فرصت نیکی کردن رزق است.
گاهی اتفاق می افتد که در نماز حواست نباشد، ناگهان به خود می آیی و نمازت را با خشوع می خوانی، این تلنگر رزق است.
یکباره یاد اما زمانت می افتی و سلامی به ایشان هدیه می کنی و دلت حسابی تنگ می شود...
رزق واقعی این است. رزق خوبی ها...
نه ماشین، نه درآمد، این ها رزق مال است که خداوند به همه ی بندگان می دهد.

حاج اسماعیل دولابی:

هر وقت کسی شما را اذیت کرد و یا از کسی ناراحت شدید، نمی خواهد به کسی بگویید. بلکه استغفار کنید، هم برای خودتان، هم برای کسی که شما را اذیت کرده است. بگو بیچاره کار بدی کرده است، اگر فهم داشت نمی کرد. وقتی استغفار می کنی، اگر قلبت حاضر نیست استغفار کند، با زبان استغفار کن، آن وقت یکدفعه دلت نرم می شود. اگر دو سه مرتبه این کار را کردی، دیگر غم نمی تواند شما را بگیرد. چون راهش را بلد هستی. استغفار «امان گاه» انسان است، یعنی پناهگاه، وقتی گفתי استغفرالله، در پناه خدا هستی و کجا امن تر و آرامش بخش تر از آغوش خدا ...



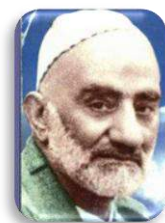
آیت الله مجتهدی:

مادر، مادر، مادر باید راضی باشد. از بچگی به ما می گفتند: بهشت زیر پای مادران است. یعنی اگر می خواهید بهشتی شوید باید مادرتان از شما راضی باشد. مادر از پدر مهم تر است. سه مرتبه مادر یک مرتبه پدر. چرا؟ چون مادر رقیق القلب است. اگر یک ذره به حرفش گوش نکنید، دلش میگیرد. اما پدر اینطور نیست.



شیخ رجبعلی خیاط:

بطری وقتی پر است و می خواهی خالی اش کنی، خمش می کنی، هر چه خم شود خالی تر می شود، اگر کاملاً رو به زمین گرفته شود، سریع تر خالی می شود. دل آدم هم همین طور است، گاهی وقت ها پر می شود، از غم ، از غصه ... قرآن می گوید: هر گاه دلت پر شد از غم و غصه ها، خم شو و به خاک بیفت... «وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» سجده کن، ذکر خدا بگو، این موجب می شود تو خالی شوی، تخلیه شوی، سبک شوی.



چگونه طلبه‌ای موفق باشیم؟! زهراکینین

سلام طلبه جوان!

نه: روش زندگی کردن؛

در سال ۱۳۵۶ در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی اصفهان

ده: روش طلبگی، طلبگی و طلبگی

پذیرفته شدم؛ اما در سال ۱۳۵۸ دانشگاه را رها کردم و اکنون ۳۲

۲. طلبه ای خوش تیپ و خوش برخورد باشیم.

سال است که در حوزه هستم و به حوزوی بودن خود افتخار می‌کنم...

۳. ادبیات فارسی را جدی بگیریم و از حوزویان خوش قلم باشیم.

۴. داشتن اخلاق نیکو و تقلید به آداب اخلاقی و رعایت موازین

طلبه جوان، به یاد داشته باش که هنگام رو به رو شدن با بعضی از

شرعی؛ مثلاً اگر احیاناً به مراجع عظام و علمای بزرگ و بزرگوار

آنچه به قلم آورده‌ام، گاه اشک ریخته و گاه درد کشیده‌ام، به همین

حوزه انتقادی داریم، به هیچ وجه به آنان بی ادبی و بی احترامی

سادگی و صداقت و صمیمیت. در هر حال، آنچه در ایام طلبگی به

نکنیم.

آن رسیده‌ام، این است: حوزویانی موفق بوده‌اند که منتظر حوزه و

۵. از همان آغاز، درس‌های طلبگی - به ویژه ادبیات عرب، منطق

و اصول فقه - را خوب خوب بخوانیم و این خیال را از سرمان

حوزویان نبوده‌اند.

کاملاً بیرون کنیم که بعداً برمی‌گردیم و درس‌هایمان را دوباره

اما بیست نکته برای اینکه طلبه‌ای موفق باشیم:

خوب می‌خوانیم.

۱. در دوران طلبگی و به ویژه از همان آغاز، ده روش زیر را حتماً

۶. به حوزوی بودن و داشته‌های حوزوی خود افتخار و از خودباختگی

بیاموزیم و آنها را به کار گیریم:

دوری کنیم و به خودباوری روی آوریم

یک: روش مطالعه و تندخوانی؛

۷. افراط و تفریط در هر کاری، به ویژه در مسائل معنوی، عقیدتی

دو: روش مباحثه و مناظره؛

سیاسی، از اموری است که بعضی از حوزویان را به دره‌ی سقوط

سه: روش یادداشت برداری و خلاصه نویسی؛

یا حتی به ورطه‌ی هلاکت کشانده است. به طور جدی «عدالت»

چهار: روش تحصیل و درس خواندن؛

را در زندگی طلبگی، فرا روی خویش قرار دهیم.

پنج: روش تبلیغ و سخنوری؛

۸. زی طلبگی خود را هیچ‌گاه فراموش نکنیم و به عرفیات رایج و

شش: روش تدریس و کلاس‌داری؛

درست در میان حوزه و حوزویان احترام بگذاریم؛ برای مثال،

هفت: روش تحقیق و نویسندگی؛

هشت: روش همسررداری و تربیت فرزند؛

۱۶. از تجربه‌های خوب و کاربردی علما و فضلاء حوزه بهره‌مند شده از آنان بخواهیم که از تجارب طلبگی‌شان برای ما بگویند.

۱۷. از آفت‌های مهمی که می‌تواند تیشه به ریشه حوزه و حوزویان بزند، عمل نکردن بعضی از ما به گفته‌های خودمان است که به اهمیت آن، توجهی نمی‌کنیم

۱۸. برای طلبه‌ای که می‌خواهد خوب درس بخواند و جزو طلبه‌های باسواد حوزه و مجتهدان آینده باشد، اشتغال به امور اجرایی و پرداختن به کارهای اداری، در اوایل و حتی اواسط طلبگی، شایسته نیست

۱۹. از پراکنده‌کاری و به این سو و آن سو رفتن، خودداری کرده و از همان آغاز طلبگی و حتی از طریق مشورت با حوزویان روان‌شناس، علاقه و استعدادهای خویش را شناسایی کنیم و مشخص کنیم که می‌خواهیم در رفع چه کمبودهایی از جامعه و حوزه گام برداریم

۲۰. توسل به آستان اهل بیت عصمت و طهارت و به یاد آنان بودن، کلید گنج طلبگی است و هرچه هست در همین جاست و در جای دیگر و چیزهای دیگر نیست.

۲۱. این همه گفتیم لیک اندر بسیج، بی عنایات خدا هیچیم هیچ تعجب نکنید! گفته بودیم ۲۰ نکته، ولی ۳۱ نکته را به قلم آوردیم؛ زیرا آن ۲۰ نکته، بدون این یک نکته هیچ است، هیچ...

ماهنامه حاشیه، سال دوم، خرداد و تیر ۱۳۹۱

امروزه حتی باید توجه کرد که صدای بلند زنگ تلفن همراهان با زیّ طلبگی ما منافات نداشته باشد

۹. به سلامت خود، به سلامت خود، به سلامت خود در ابعاد گوناگون و به ویژه در آغاز طلبگی، اهمیت دهیم. چه بسیار حوزویانی که نان و ماست‌ها و املت‌ها و نان و سیب‌زمینی‌های اوایل طلبگی، آنان را هم‌اکنون بیمار کرده از کار و زندگی انداخته و حتی گوشه‌نشین کرده است.

۱۰. از آفت‌ها و مصیبت‌های بزرگ شماری از حوزویان - نه همی آنان - بی‌نظمی و بی‌نظمی است. بکوشیم که طلبه‌ای منظم و منضبط، به معنای واقعی و فراگیر آن باشیم

۱۱. نوگرایی و نواندیشی به معنای درست و دینی آن را سرلوحه زندگی طلبگی خود قرار داده بکوشیم که از کارهای تکراری و کلیشه‌ای در تبلیغ، تدریس، تحقیق و تالیف خودداری کنیم.

۱۲. از همان ابتدای دوران طلبگی، در پی‌ریزی درست و استوار پایه‌های فکری و عقیدتی خویش بکوشیم.

۱۳. در انتخاب استاد و دوست حوزوی، بسیار دقت کرده آن را جدی بگیریم؛ زیرا استاد و دوست خوب و خوش‌فکر و خوش‌اخلاق، نقش بسزایی در تعلیم و تربیت ما طلبه‌ها دارند

۱۴. تصمیم بگیریم که در هر فعالیت، از بهترین‌ها و برترین‌ها باشیم و همیشه کارِ درجه یک انجام دهیم

۱۵. تلاش کنیم طلبه‌ای یک بُعدی نباشیم؛ بلکه از طلبه‌های چندبُعدی و اجتماعی و دارای معلومات نسبتاً چند جانبه باشیم



مدعایی نکند و مردم را تحقیر نکند، همان طور که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید: « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ » ، بگو به مردم: « من هم بشری مثل شما هستم. »^۳

۴- پرهیز از خشونت : مبلغ موفق بای با مخاطب به نرمی سخن بگوید، یعنی از خشونت پرهیز کند، زیرا با نرمش است که برای مردم علاقه به شنیدن پیام خداوند به وجود می آید. « سخن مثل اشیاء مادی نرم و سخت دارد. گاهی یک سخن را که انسان از دیگری تحویل می گیرید، این قدر نرم و ملایم است که دل انسان می خواهد آن را قبول کند، گاهی برعکس، یک سخن طوری است که آنقدر خشونت دارد، تحقیر دارد که طرف مقابل نمی خواهد بپذیرد. »^۴

۵- صبر و استقامت : صبر و استقامت از دیگر خصوصیت ها و روش های تبلیغ است. خداوند در قرآن می فرماید: « فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ »^۵ ، پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

از این مسئله پی می بریم که در امر تبلیغ مشکلات زیادی وجود دارد و این مشکلات ممکن است از سوی مردم، محیطی که در آن تبلیغ صورت می گیرد و حتی مبلغ صورت پذیرد، در این صورت مبلغ باید با صبر و استقامت خویش با مشکلات کنار آمده تا تبلیغ او با موفقیت همراه باشد.

شیوه‌های تبلیغ

ملیحه عوض زاده

برای موفقیت در هر کاری باید از روش صحیح استفاده کرد. در تبلیغ دین اسلام نیز باید روش ها و اسلوب های صحیح را انتخاب کرد تا مبلغ در کار خود موفق عمل کرده باشد. از جمله ی این روش ها:

۱- صداقت : صداقت، اساس کار مبلغین می باشد، آنچه را یک مبلغ باید برای افراد دیگر آشکار کند، باید بدون غل و غش مطرح نمایند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «حقیقت ناب و اسلام ناب برای این است که ما این متاع را خالص، بدون غل و غش، بدون تقلب و بدون کم و زیادی به مخاطبان برسانیم. بزرگترین ونفیس ترین امانتی که خدای متعال به ما داده معارف الهی و حقایق الهی است. این ها را باید به صورت ناب به دست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.»^۱

۲- خلق نیکو : در کنار ظاهر پاکیزه و آراسته ، خلق نیکو از راهکار های تبلیغ محسوب می شود. رفتار و سخن مبلغ باید به گونه ای باشد که در مردم ایجاد انگیزه کند و این انگیزه باعث می شود سخنان مبلغ در ذهن و قلب تمام اقشار جامعه اثر داشته باشد. در این باره خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: « ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ »^۲ ، با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

۳- تواضع و فروتنی : مسئله ی دیگر که مبلغین باید در امر تبلیغ به آن توجه داشته باشند، تواضع و فروتنی است. کسی که می خواهد پیامی را، آن هم پیام خدا را به مردم برساند، باید در مقابل ایشان فروتن باشد، یعنی پر

۱. نشریه پیشبرد، ۱۳۷۸، ص ۸

۲. سوره نحل، آیه ۱۲۵

۳. نشریه پیشبرد، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵

۴. همان

۵. سوره هود، آیه ی ۱۱۲





وظایف منتظران انسیمبصری

۱- ذکر فضایل آن حضرت؛

تکذیب دشمنان صبر پیشه کند، مانند کسی است که در

خدمت حضرت رسول با کفار جهاد کرده باشد.

۵- اهدای ثواب اعمالمان برای آن حضرت؛

هدیه نمودن اعمال صالحه ی خود، مانند قرائت قرآن و...

برای آن حضرت.

۶- زیارت آن حضرت؛

زیارت نمودن آن حضرت و اهدای ثواب اعمالمان برای ایشان،

البته این وظیفه اختصاص به آن حضرت ندارد؛ بلکه نسبت به

جمع ائمه علیه السلام هم وارد شده است.

۷- آموزش علم؛

آنکه علما علم خود را به کسانی که جاهل و نادانند

بیاموزند و روش جواب دادن به مخالفین را به آنان آموزش

دهند، تا در برابر شبهات دشمنان، حیران و گمراه نشوند و اگر

حیرانند از حیرانی نجات یابند، که این مطلب در این زمان بسیار

مهم و بر علما لازم است. در تفسیر حضرت ابا حسن عسکری

علیه السلام مذکور است که حضرت ابا محمد تقی علیه

السلام فرمودند: عالمی که از یتیمان آل محمد علیه السلام

(کسانی که از ابا خود دور افتاده اند) پرستاری کند و آنها را که

بر اثر این فاصله حیران مانده اند و در دست شیاطین اسیر شده

اند و به دست دشمنان ما گرفتار شده و حیران مانده اند را

نجات دهد و وسوسه های شیاطین را از آن ها دور کند و

دشمنان آن ها را به دلیل و برهانی که از ائمه آن ها رسیده

مغلوب نماید، فضیلت این علما بر عابدان به اندازه فضیلت

آسمان و عرش و کرسی و حجاب ها بر زمین است و مثل

فضیلت ماه شب چهارده بر کوچک ترین ستاره های آسمان

می ماند. از ابا علی نقی روایتی است که می فرمایند: اگر

به برکت علمایی که در زمان غایب بودن حضرت قائم عجل

الله تعالی فرجه، مردم را به سوی آن حضرت دعوت می

بیان نمودن فضایل و کمالات آن حضرت؛ زیرا ایشان ولی

نعمت و واسطه در جمیع نعمت های خداست که به ما می

رسد، چنان که در کتاب مکیال المکارم بیان شده یک نوع از

شکر ولی نعمت، گفتن فضایل و کمالات و احسان ایشان

است که در مکارم الاخلاق از حضرت سید الساجدین علیه السلام

روایت شده است.

۲- اشتیاق دیدار آن حضرت؛

اظهار شوق نمودن برای زیارت جمال مبارک آن حضرت از روی

واقع و حقیقت، چنانچه امیر المومنین علیه السلام اشاره به

سینهی خود میکردند و آه می کشیدند و اظهار شوق به

لقای امام دوازدهم می نمودند.

۳- تبلیغ برای آن حضرت؛

مردم را به سوی معرفت و شناخت آن جناب و خدمت به آن

بزرگوار دعوت نمودن.

در کتاب کافی از سلیمان بن خالد روایت شده که به حضرت

صادق علیه السلام عرض کردم: اهل بیتی دارم که از من

حرف شنوی دارند، آیا آنها را به سوی این امر دعوت کنم؟

حضرت فرمودند: آری خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ

وَالْحِجَارَةُ...» ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده

خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید، آتشی که آتش افروز آن

مردم و سنگ ها هستند (تحریم، آیه ۶).

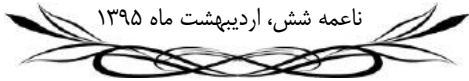
۴- صبر کردن بر مصیبت؛

صبر کردن بر سختی ها و اذیت نمودن دشمنان دین و

سرزنش آنها در زمان غیبت آن جناب.

در کمال الدین از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت شده:

هر موهنی که در زمان غیبت امام دوازدهم بر اذیت و



ی درخشان می درخشید. پس عرض کردم خدایا این ها کیستند؟ خطاب شد این ها امام های بر حق بعد از تووند و آن که میان آن ها درخشان است قائم آن هاست که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند. و از دشمنان انتقام می گیرد. ای محمدا او را دوست بدار؛ زیرا که من دوست می دارم

هر کسی که او را دوست دارد. مولف می گوید: اینکه خداند امر فرمودند به دوستی با آن حضرت به خصوص با وجود اینکه دوست داشتن جمیع انمه علیه السلام واجب است خود دلیلی است بر اینکه محبت به آن حضرت اهمیت ویژه ای دارد که موجب امر حق تعالی شده است. و آن در وجود مبارک آن جناب هست که مقتضی تخصیص به ذکر شد.

۹- دعا برای یاران حضرت؛

برای یاران آن حضرت دعا نماید، چنان که در دعای یونس بن عبد الرحمن که در قسمت اول گفته شد این امر آمده است.

۱۰- نفرین دشمنان حضرت؛

نفرین بر دشمنان اما، چنانچه در اخبار متعدد آمده و همچنین در دعایی از خود آن حضرت روایت شده است.

۱۱- دعا برای جزو یاران حضرت بودن؛

از خداوند عالم جل شانہ مسئلت نماید که ما را از یاران آن حضرت قرار دهد، چنانچه در دعای عهد و دیگر دعاها آمده است.

۱۲- دعا نمودن با صدای بلند؛

دعا کردن با صدای بلند برای آن جناب خصوصاً در مجالس و محافل؛ زیرا علاوه بر آنکه این کار تعظیم شعائر اسلامیست، در بعضی عبارات دعای ندبه که از حضرت صادق علیه السلام است استحباب و رجحان آن ظاهر می شود.

عصر غیبت، محمد تقی بن عبد الرزاق الموسوی الاصفهانی

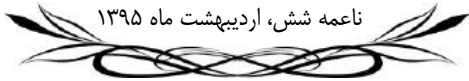
کنند و با دلیل های محکم، شبهات ملحدین را دفع می نمایند و مردم ضعیف (از نظر ایمان) را از دام شیطان و دشمنان دین نجات می دهند، هر آینه تما مردم گمراه شده و از دین بر می گردند، لکن این علما مانند ناخدای کشتی ای هستند که سکان کشتی را نگاه می دارند (تا کشتی به منزل برسد) دل های ضعیف شیعیان را از گمراهی نگاه می دارند و این گروه از علما از هر کسی نزد پروردگار افضل و بهترند کتاب اصول کافی از معاویة بن عمار نقل شده است که به که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم:

آیا شخصی که در میان مردم احادیث شما را روایت می کند و بدین وسیله دل های شیعیان شما را محکم می کند بهتر است، یا عابدی که عبادت می کند و حدیث روایت نمی کند؟ فرمودند: آن کس که احادیث ما را روایت می کند دل ای شیعیان ما را به آن محکم می کند، از هزار عابد بهتر است، پس به مقتضای احادیث مذکور و غیر آن ها، هر عالمی می بایست به قدر توان خود علم خود را بیان نماید، به خصوص در این زمان که بدعت ها در میان امت من ظاهر شده. پس عالم باید عل خود را آشکار کند و اگر چنین نکند لعنت خدا بر اوست.

همچنین در جلد فتن بحر الانوار از آن حضرت روایت شده که به حضرت امیر علیه السلام فرمودند: یا علی! اگر حق تعالی بوسیله ی علم تو یک نفر را هدایت کند برای تو از تما آنچه آفتاب بر آن بتابد یعنی از تمام عالم دنیا بهتر است.

۸- اظهار محبت و دوستی به آن حضرت؛

چنانچه در حدیثی که در کتاب غایة المراد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: در شب معراج از جانب حضرت حق جل جلاله خطاب به من رسید که آیا می خواهی اوصیای خودت را ببینی؟ گفتم: بلی! خطاب شد نگاه کن به مقابل روی خود، چون نگاه کردم صورت دوازده وصی خود را دیدم که در میان آن ها حجت قائم مثل ستاره



چه لذتی دارد این چ... چ... ا... ب

فاطمه رنجبر

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی سیاهی چادرم دل مردهایی که چشمشان به دنبال خوش رنگ ترین زنهاست را می‌زند.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی مردهایی که به خیابان می‌آیند تا لذت ببرند، ذره‌ای به تو محل نمی‌گذرانند.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی وارد مغازه ای می‌شوم و می‌پرسم آقا! اینا قیمتش چنده؟ و فروشنده جوابم را نمی‌دهد؛ دوباره می‌پرسم! آقا

اینجا چنده؟ فروشنده که محو موهای مش کرده زن دیگری است و حالش دگرگون است. اصلا مرا نمی‌بیند. باز هم سؤال بی‌جواب می‌ماند و من،

خوشحال از مغازه بیرون می‌آیم.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی شاد و سرخوش در خیابان قدم می‌زنید؛ درحالی‌که دغدغه این را ندارید که شاید گوشه‌ای از زیبایی‌هایتان

پاک شده باشد؛ و مجبور نیستید خود را با دلهره به نزدیک‌ترین محل امن برسانید تا هرچه زودتر زیبایی خود را کنترل کنید و زیبایی از دست رفته‌تان

را به صورتتان بازگردانید و خود را جبران کنید.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان و دانشگاه و... راه می‌روید و صد قافله دل‌گشای همراه نیست.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی جولانگاه چشم‌های ناپاک و افکار پلید مردان شهرتان نیستند.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی کرم‌قلاب‌گیری شیطان برای به دام انداختن مردان شهر نیستند.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی می‌بینی که می‌توان اطاعت خدایت را بکنی؛ نه هوایت را.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان راه می‌روی؛ در حالی که یک عروسک متحرک نیستی. یک انسان رهگذری.

نمی‌دانید واقعا نمی‌دانید چه لذتی دارد این حجاب! خدایا! لذتم مدام باد ...

به نقل از مجله میعاد با شهدا



دختران فاطمه





انقدر به دنبال
فاطمه نگرد؛
اندکے خودت ہم
علیے باش..

ج...ج...ج...ب زن حق الله است

فاطمه رنجبر

آیت الله جوادی آملی می فرمایند: حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه مال شوهر و نه ویژه برادران و فرزندش می باشد. همه این ها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است. حجاب زن حقی است الهی، عصمت زن حق الله، زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. زن باید این مساله را درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم. حجاب زن مال خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت دهند. حجاب زن حقی است الهی...

اندکی از جماعت، می نالند از کمبود دختر پاک!

برادر قبل از اینکه دنبال فاطمه باشی خودت «علی» باش...

به نقل از مجله میلاد

دختران فاطمه

توصیه‌هایی ارزشمند برای زوجین

۱۴ اصل تربیتی از زندگی مشترک حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)

(ادامه از شماره قبل)

اصل ۸) اصل دانش پژوهی خانوادگی

حضرت زهرا محیط خانه را به دانشگاهی بی نظیر در عرصه تعلیم معارف اسلامی مبدل ساخته بود. از تعلیم فرزندان گرفته تا تعلیم مردمان و تشکیل کلاس‌های دینی علمی در خانه. او همچون پدرش، مربی اخلاق بود و معلم قرآن، او عمری را در نهایت مهربانی و دلسوزی تبلیغ معارف دین پرداخت. روزی یکی از زنان مدینه خدمت حضرت زهرا رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسائل نماز سوالات فراوانی دارد و مرا فرستاده تا آن مسائل شرعی را از شما بپرسم. حضرت فرمودند: بپرس!

آن زن مسائل بسیاری مطرح کرد و برای هر یک از آنها پاسخ شنید. در ادامه گفت و شنود، آن زن از کثرت پرسش‌ها خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا! از اینکه فراوان خدمت می‌رسم و با سوالاتی فراوان شما را به زحمت می‌اندازم، معذرت می‌خواهم!

حضرت فرمودند: باز هم بیا و هرآنچه سؤال برایت پیش می‌آید، بپرس! آیا اگر کسی اجیر شود که بارسنگینی را به بالای بام ببرد و به پاداش آن، صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار خواهد بود؟ گفت خیر. حضرت ادامه داد: من درازای هر مسأله‌ای که پاسخ می‌دهم،

بیش از فاصله بین زمین و عرض، جواهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم، پس سزاوار است که بر من سنگین نیاید. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳)

اصل ۹) اصل عفت ورزی و عفاف محوری

روزی پیامبر در مسجد از جمع مسلمانان پرسیدند: چه روش و سیره‌ای برای زندگی بانوان بهتر است؟ هر کس به فراخور معرفت خویش جواب داد، اما سلمان فارسی با خود اندیشید و خود را به خانه حضرت زهرا که متصل به مسجد پیامبر بود رسانید و پاسخ را از یگانه دختر پیامبر جویا شد، حضرت زهرا فرمودند: برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند، سلمان به جمع بازگشت و پاسخ را مطرح کرد.

اصل ۱۰) اصل حضور در اجتماع به هنگام ضرورت

پاره وجود رسول خدا کامل‌ترین اسوه و الگوی حیاء عفت و حجاب است. او در کنار پدر، چون مادری مهربان در همه صحنه‌ها حضوری مستمر داشت. آری فاطمه در تمام عمر در صحنه‌های گوناگون اجتماعی حضور داشت؛ اما عفاف و حجاب او در اوج یگانگی و بی‌مثالی بود.

سیره رفتاری حضرت صدیقه طاهر (س) نشان دهنده زیبا جلوه‌هایی از حضور فعال آن حضرت در عرصه اجتماع



آن هنگام که رسول خدا (ص) چنین تقسیم کاری را به علی و زهرا (ع) پیشنهاد فرمود، فاطمه خوشحالی و رضایت خوش را این گونه ابراز نمود:

جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.^۴

طرح پیشنهادی رسول خدا بیش از هر چیز ناظر به استعدادهای طبیعی و تکوینی هریک از مرد و زن است؛ طرحی که در عرصه وظایف خانوادگی، نه زن سالاری را تجویز می کند، نه مردسالاری را؛ بلکه در بردارنده تقسیم کاری عادلانه در سایه سار ایثار و صمیمیت خانوادگی است.

اصل (۱۴) اصل برقراری ارتباط خانواده با مسجد

هم جواری خانه حضرت زهرا (س) با مسجد و انس تمام اعضای خانواده با مسجد و محراب و نمازگزارانی آنها در مسجد؛ جملگی بر اصل «مسجد محوری خانواده» تأکید می ورزند.

اصل (۱۳) اصل همسایه مداری

حضرت زهرا (س) دردعاهای خویش همسایه ها را براعضای خانواده مقدم می داشت و می فرمود «فرزندم، نخست همسایه و سپس خانه»^۵

می باشد؛ برای نمونه ایشان هر هفته، روزهای شنبه به سوی مزار شهدای احد می شتافت و برای حمزه و دیگر شهدای احد طلب آمرزش و علو درجات می نمود.

فاطمه زهرا (ص) پس از هجران پدر، حمایت از امامت را وظیفه خویش دانست و در این راه از هیچ فداکاری و جان بازی دریغ نکرد و بارها و بارها در عرصه جامعه ظاهر شد و در جمع مردمان، خطبه هایی بی نظیر ایراد فرمود؛ خطبه هایی در اوج فصاحت و بلاغت که فصیحان و بلیغان نام آور عرب را به شگفتی و شیفتگی وا داشته است.

همان زهرایی که می فرماید «برای زن بهتر آن است که نه او هیچ مردی را ببیند و نه هیچ مردی او را». انگاه که مصالح کلی جامعه اسلامی را در خطر می بیند، به سوی مسجد می شتابد و در حضور جمع کثیری از مردان مهاجر و انصار، غاصبان خلافت را به محاکمه می کشاند. چنین صحنه هایی از سیره رفتاری آن حضرت، تأیید گر این حقیقت است که فرموده پیش گفته ایشان یک امر رجحانی است که در شرایط ایده آل مصداق می یابد.

اصل (۱۱) اصل تقسیم کار در خانه

زندگی مشترک علی و فاطمه (ع) کامل ترین اسوه در مسائل خانوادگی است. آنچه در خانه زهرا صورت می پذیرفت، جملگی از حکمت بی کران الهی الهام گرفته بود. تقسیم کار در این خانه نورانی از علم و حکمت نبوی سرچشمه می گرفت: تدبیر کارهای منزل برعهده زهرا و

تدبیر امور بیرون منزل بردوش علی.

^۴ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲

^۵ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۱، ح ۳

زمانی برای نیایش با آفریدگارش،

وقتی برای فعالیت اقتصادی اش؛

فرصتی برای واداشتن نفس به لذت هایی که زیبا و حلال است.

بدانید ای بندگان خدا! پارسایان هم در این دنیای زودگذر

هم در جهان آینده آخرت سود می برند. (پارسایان) با اهل

دنیا در دنیاشان شریک شدند، درحالی که اهل دنیا

در آخرت آنان شریک نشدند... در دنیا در بهترین مسکن ها

ساکن شدند و بهترین خوردنی ها را خوردند. با اهل دنیا

در دنیاشان شریک شدند و با آنان از پاکیزه ها خوردند و

نوشیدند و از بهترین ها پوشیدند و در بهترین مسکن ها

ساکن شدند و با بهترین بانوان ازدواج کردند و بهترین

مرکب ها را سوار شدند. با اهل دنیا به لذت دنیا دست

یافتند و فردا همسایگان خداوندند... پس به سوی این

مکتب جامع، ای بندگان خداوند هر خردمند، شیفته است.^۷

حضرت زهرا (س): خداوندا! اخلاص و ترس را در هنگام

خشنودی و غضب، و میانه روی در زمان بی نیازی و فقر را

از تو خواستارم.

با تشکر ویژه از مدیریت محترم مدرسه،
سرکار خانم یزدانی به جهت تهیه این مطلب
مفید و زیبا

امیرالمومنین (ع) اهمیت همسایه خود را تا بدان پایه می

دانست که سفارش می کرد پیش از تهیه آذوقه خانه،

از همسایه اش پرس و جو شود. برای پیش گیری از اختلاف

ها و برخوردها، از افراد می خواست با بستگانشان همسایه

نشوند. آن حضرت، همسایه بد را بزرگترین خسارت ها و

سخت ترین گرفتاری می دانست. رازگویی به همسایه را

ممنوع اعلام کرده بود و می فرمود:

کسی که همسایه اش را براسرار خود آگاه سازد، پرده های

رازش دریده شود.

فایده خوش همسایگی را «بسیاری همسایگان» و

«مدرسائی به همسایگان در دشواری ها» می دانست.

همسایه ها را تنها همسایه دیوار به دیوار نمی دانست؛ بلکه

تا چهل خانه از هرسو را همسایه به شمار می آورد.

عزیز نشود کسی که همسایگانش را خوار کند.^۸

اصل ۱۴) اصل استفاده از لذت های روا

استفاده از لذت جویی های حلال بین همسران، بهره بردن

از میوه ها و خوراکی های لذت بخش، همبازی شدن با

کودکان، به مسابقه واداشتن فرزندان در عرصه هایی مثل

کشتی، شنا، اسب سواری و ... مورد تأکید این زوج یگانه

تاریخ، علی و فاطمه (ع) بود. پدر خانواده فاطمی

می فرمود:

دین باور باید شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم کند:

^۷ . شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۶

^۸ . همان، ح ۹۴۸۶



شاعرانه های طلبگه...

این روزها. آسمان دلم بارانیست... **شاهد**

این روزها ابرهای آسمان دلم، منتظر جرقه‌ایست تا
آتک‌ها را مهمان چشمانم کند.
چشم‌هایی که همه چیز را باید ببیند و دم نزنند...
از چه بگویم؟ از غوغای درونم که هر صبح قول می‌دهد تا
شب، کمتر دل‌معبود را بشکند ولی پای عمل که می‌شود،
نفس همه چیز را نقش بر آب می‌کند...
از وضع وظیفه که ای کاش، فقط در حد انجام وظیفه،
انجام وظیفه می‌کردم...
از ادعاهای طلبگانه که فکر می‌کنم کسی هستم ولی دیر یا
زود همه می‌فهمند کسی نیستم...
از وضع درس و اخلاقم که فراموش کرده‌ام سهم امامی
هنرینه من می‌شود که سال‌هاست منتظر این است که
خودم و دیگران را آماده‌ی آمدنش کنم ولی من
بی‌خیال همه چیز نمک می‌خورم و نمکدان...
ای کاش دیگر دردهای اطرافم باعث عمیق شدن
جراحات‌های درونم نمیشد...
صحبت‌های بی‌صود و آغشته به تعمت و غیبت افراد کوچک و
بزرگ...
طعن و کنایه‌های جاهلانه‌ی مردان و زنان به اصطلاح با
کلاس...
ظلم و جنایت‌های مردمان این زمانه...
بازی هنرمندانه آدم‌هایی که در لباس اسلام، تیشه به
ریشه اسلام می‌زنند...
همه و همه دردهاییست که هر از گاهی با یک مرهم آرام
می‌گیرد.
آزکی مرهم؛ مرهمی که افتخار شیعه است.

ای اهل بیت (ع) اگر شما را نداشتم، چه می‌شد؟
کدام اللوین بهتر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، کدام
بنده‌ای بنده‌تر از مولا، کدام مادری مادرتر از حضرت زهرا
(سلام الله علیها) ...
کدام چهارده نوری، روشن‌تر از چهارده معصوم...
کدام آقایی، فرماندهی، مهربانی، مهربان‌تر از مهدی
فاطمه (سلام الله علیها) ...
اللهم عجل لولیک الفرج

مرضیه‌پریدی

تورا می‌شناسم...

تورا از غدیر کهن می‌شناسم
تورا از قیام حن می‌شناسم
تورا عزت شیعه و خون الله
از آن زینب شیرزن می‌شناسم
تورا معنی آتک و اندوه زهرا
تورا سرو سبز چمن می‌شناسم
میان هیاهوی ظهری پر از غم
تورا عاشق بی‌کفن می‌شناسم
تو در کربلا قصه‌ی عشق خواندی
تورا هر پیر زدن می‌شناسم
تورا از همان آیه‌های خدایی
تورا بر سر نیزه‌ها می‌شناسم

مركب از این چهار طبع است مرد
ترازوی عدل طبیعت شکست

مزاجت تر و خشك است و سرد و تر
یکی زین چو بر دیگری یافت دست



مزاج در لغت به معنای در هم آمیختن است و در طب سنتی ایران به مفهوم کیفیتی است که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت های متضاد عناصر چهارگانه (آب، خاک، هوا، آتش) به وجود می آید و از مجموع آنها کیفیتی که با همه ی آن عناصر شباهت دارد ایجاد می شود که به آن کیفیت جدید، مزاج گویند. مقدار و نسبت موجود از هر کدام از این عناصر، مزاج بدن انسان را تشکیل می دهند. از آنجا که کیفیت های نخستین عناصر از چهار نوع گرمی، سردی، تری و خشکی تشکیل شده است، روشن است که همه مزاج ها فقط از این چهار کیفیت ناشی می گردند.

نمونه الف) :

۱. ارکان به نسبت یکسان در بدن او ترکیب شده اند. آب (سرد و تر)، آتش (گرم و خشك)، هوا (گرم و تر)، خاک (سرد و خشك). سردی آب با گرمی آتش و گرمی هوا با سردی خاک خنثی می شود؛ تری آب با خشکی آتش و تری هوا با خشکی خاک خنثی می شود و مزاج معتدل حقیقی به وجود می آید. این امر از نظر عقلی درست بوده و می تواند به حقیقت پیوندد ولی در دنیای واقعی چنین چیزی امکان ندارد و مزاج معتدل حقیقی وجود خارجی ندارد. حال اگر يك یا دو ركن از ارکان و کیفیت های مربوط به آن بر بدن غلبه داشته باشد انواع مزاج های غیر معتدل به وجود می آیند.

۱. گرم و خشك ۲. سرد و تر ۳. سرد و خشك ۴. گرم و تر

که در آینده در مورد هر کدام و علائم آنها توضیح داده می شود.

طرز تهیه خورش کرفس

مواد لازم:

لوبیا قرمز/چیتی: ۱ لیوان

گوشت گوسفند: ۲۵۰ گرم

کرفس خرد شده: ۴-۵ لیوان

پیاز: ۲ عدد متوسط

آب نارنج: به میزان لازم

روغن زیتون یا روغن دنبه یا روغن کنجد یا روغن مایع: ۶ تا ۷

قاشق غذاخوری

نمک و فلفل سیاه: به میزان لازم

زردچوبه و زیره و زعفران: هر کدام نصف قاشق چای خوری

(البته استفاده از ادویه جات و چاشنی غذا سلیقه ای

است و می توانید به دلخواه انتخاب و استفاده کنید.)

آب لیموی تازه یا آب غوره) را مطابق با سلیقه و ذائقه ی

خودمان اضافه می کنیم.

نکته: بهتر است برای پخت تمام غذاها، زمانیکه به آب نیاز

دارید از آب جوشیده استفاده کنید چون باعث می شود

طعم غذا و مواد آن حفظ شود.

نکته ای در مورد کرفس: کرفس یکی از بهترین سبزیجات

است که مصرف آن باعث تنظیم فشار خون و چربی خون می

شود و همچنین باعث رقیق شدن خون شده و از سگته های

قلبی و مغزی جلوگیری می نماید. سالاد آن نیز بسیار نافع در

رفع یبوست می باشد.



دستور پخت :

پیاز و گوشت خرد شده را در قابلمه ریخته به همراه روغن،

گوشت و پیاز را تفت می دهیم تا پیازها آب انداخته و آب آن

تبخیر شود. برای از بین بردن بوی زمخت گوشت می توانید از

لیمو عمانی درسته سوراخ شده نیز استفاده کنید. بعد از

اینکه گوشت تفت داده شد سبزی کرفس را اضافه می

کنیم و آن را به همراه گوشت تفت می دهیم بعد لوبیا را که

از شب قبل خیس داده شده را به مواد اضافه می کنیم و

بعد ادویه جات را اضافه میکنیم. حدود ۴ تا ۵ دقیقه آنها را با

شعله ی کم هم می زنیم و بعد آبی که از قبل جوش داده

شده را به غذا اضافه می کنیم و غذا را با شعله ی کم

میگذاریم تا پخته شود و در آخر کار چاشنی غذا (آب نارنج تازه،

عرفان کتاب

نام کتاب: انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه

نویسنده: علیرضا پناهیان

موضوع: انتظار، مهدویت

توضیح: گرچه کتاب های ارزشمندی در باب مهدویت و انتظار نگاشته شده است اما تجزیه و تحلیل سازنده ترین مفهوم در زمینه مهدویت، که همان انتظار فرج است کمتر صورت گرفته و کمتر مورد گفتگوی عالمانه قرار گرفته است. این کتاب تلاش دارد در موضوع انتظار یک ساز و کار عقلانی را ترسیم کند. حجت الاسلام صدیقی می فرماید: « در تبیین موضوع انتظار کتابی به این جامعیت ندیدم. »

نام کتاب: خانواده

نویسنده: آیت الله سید علی خامنه ای

موضوع: خانواده

توضیح: دیدگاه های منحصر به فرد حضرت آقا در نوع نگاه ایشان به زن و نقش او در خانواده و ارائه دادن الگوی جامع خانواده ی اسلامی برای جوامع بشری در این کتاب باعث شده است تا مخاطب آن فقط زوج های جوان نباشند و هرکس می خواهد خانواده ای تشکیل بدهد یا تشکیل داده و در ابتدای راه است، یا سال هاست که زندگی مشترک را شروع کرده و اکنون در فکر زندگی مشترک فرزندان است، می تواند مخاطب آن باشد.

نام کتاب: دغدغه های فرهنگی

نویسنده: آیت الله سید علی خامنه ای

موضوع: امام و رهبری، جامعه، فرهنگ

توضیح: کتاب بسیار ارزشمند دغدغه های فرهنگی شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ است. که با استفاده از دیگر بیانات معظم له تکمیل شده است.



نام کتاب: فتح خون

نویسنده: شهید سید مرتضی آوینی

موضوع: عاشورا، هنر و ادبیات

توضیح: در میان کتاب های بسیاری که درباره ی واقعه ی عظیم کربلا نگاشته شده است، اندک کتابهایی هستند که نویسندگانشان کوشیده اند علاوه بر ابراز شیفتگی و بیان عظمت واقعه و مظلومیت سید الشهداء و یارانش، نقبی به حقیقت ماجرا بزنند و پرده از راز بزرگلا بردارند. « فتح خون » از این معدود کتاب هاست.



نام کتاب: ولایت فقیه

نویسنده: اما خمینی رحمه الله علیه

موضوع: انقلاب و حکومت

توضیح: این کتاب معروفترین اثر امام خمینی در تبیین و

احیای نظریه ولایت فقیه در فقه شیعی، مجموعه‌ی سیزده

جلسه تدریس است

که اما در ایام اقامت در نجف اشرف ایراد فرمودند.

رهبری و کتاب

من تصور می‌کنم که با حال اشتغال هم میتوان مطالعه کرد. قبل از پیروزی انقلاب، به مدت کوتاهی و بعد هم که انقلاب پیروز شد و من به تهران آمدم و اشتغال‌های گوناگونی داشتم، اصلاً فرصت مطالعه پیدا نکرده بودم.

از حدود دو سال پیش، با اینکه اشتغالات ما کم نشده بود و بلکه زیاد هم شده بود، تصمیم گرفتیم که مجدداً مطالعه کنیم. شروع کردیم، دیدیم می‌شود، و من الآن هر شبانه‌روز، مقداری مطالعه می‌کنم. به تدریج مطالعه کردم؛ شاید بیش از صدها صفحه یادداشت برداشتم، فهمیدم که می‌شود.

سمینار ائمه‌ی جمعه‌ی استان تهران ۱۳۸۵/۸/۶۳

کتاب، دروازه‌ای به سوی جهان گسترده‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. کسی کخ با این دنیای زیبا و زندگی‌بخش، دنیای کتاب، ارتباط ندارد، بیشک از مهم‌ترین دست‌آورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. برای يك ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن با کتاب سر و کار نداشته باشند و برای يك فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه، باشد...

دیدار با گروهی از جوانان و نوجوانان - ۱۴/۱۱/۷۶

موضوع: آثار حیا در اجتماع

پژوهشگر: زینب زارع

آموزه های دینی حیا را به عنوان صفت و فضیلت انسانی می داند و از انسان ها می خواهد که مردمانی خوددار از ارتکاب زشتی ها و قبايح باشند. حیا، خصلتی فطری و طبیعی است که تمام ابعاد زندگی انسان اعم از گفتار، اعمال، رفتار او را تحت تأثیر قرار می دهد و به اشکال مختلف وجود خارجی می یابد. از دیدگاه اسلام این خصلت پسندیده در رأس گزاره های اخلاقی قرار دارد و انسان ها به وسیله ی آن می توانند به دیگر گزاره های اخلاقی چون عفت، تواضع، حجاب، کامیابی، گذشت و بخشندگی و ... دست یابند و با رعایت این صفات اخلاقی، مصالح اجتماعی و حقوقی افراد بهتر تأمین می شود و جامعه آرام و سالم و متحد می گردد. بنابراین حیا به انسان نوری می بخشد که سعادت او را در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

لازم به ذکر است که در برخی موارد چون بیان حق، خدمت به پدر، مادر و معلم، اقرار به جهل و ... حیا ناپسند است و پیامد هایی منفی از جمله محرومیت، از بین رفتن برکت از زندگی و ... را به دنبال خواهد داشت.

در آیات قرآن کریم و روایات برای تقویت حیا و متخلق شدن جامعه به حیا راه هایی وجود دارد که در این نوشتار به برخی از آن ها از جمله خودشناسی، نماز، محبت، توجه به عواقب بی حیایی و ... اشاره می شود.

موضوع: مقایسه سیره سیاسی امام علی (سلام الله

علیه) و حسنین (سلام الله علیهما) با یکدیگر

پژوهشگر: منور صفری

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حوادث شگفت انگیزی در جهان اسلام رخ داد و ترفندهای برخی از خواص و بی اعتنائی عموم مردم به سفارشات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رهبری جامعه را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. مصالح امت اسلامی ایجاب می کرد که امام علی (سلام الله علیه) نتواند مخالفت خویش را ابراز نماید؛ البته علت سکوت آن حضرت (سلام الله علیه) را می توان در اوضاع اجتماعی، سیاسی و وجود قدرت بزرگی خارجی برای ضربه زدن به جامعه نوپای اسلامی دانست که به خاطر حفظ اسلام انجام گرفت. بعد از کشته شدن خلیفه سوم و روی آوردن مردم به حضرت (سلام الله علیه) شاهد ارائه یک حکومت به تمام معنا اسلامی از سوی حضرت (سلام الله علیه) می باشیم که بر اساس حق و عدالت اداره می شود که مخالفان زیادی در مقابل این حکومت می ایستند که حضرت علی (سلام الله علیه) در راستای سیاست های عدالت جویانه خویش با تمامی این گروه ها به مبارزه پرداختند. بعد از امام علی (سلام الله علیه) حکومت امام حسن (سلام الله علیه) از سوی حکومت طاغوتی معاویه در شام دچار چالش می شود و امام حسن (سلام الله علیه) برای براندازی حکومت ستمگر معاویه به جنگ با او می پردازد که به علت سستی یاران و سیاست تطمیع معاویه در میان سپاهیان امام (سلام الله علیه) لشکر او دچار آشوب و هرج و مرج می شود و به ناچار تن به صلحی می دهند که در پرتو این صلح، افشای ماهیت پلید بنی امیه نمونه ای زیبا از جهاد امام حسن (سلام الله علیه) در قالب صلح را نشان می دهد که قیام امام حسین (سلام الله علیه) در واقع ادامه همان جهاد امام حسن (سلام الله علیه) در قالب صلح می باشد که زمینه فراهم شدن این قیام تاریخی به وسیله صلح امام حسن (سلام الله علیه) طراحی شد.

چکیده های برتر

موضوع: احکام و حقوق کودک در اسلام

پژوهشگر: مریم پدیدار

کودک انسانی است دارای شخصیت حقیقی و حقوقی و در عین حال موجودی ضعیف و ناتوان که نیازمند حمایت همه جانبه، به ویژه از سوی والدین می باشد؛ اینجاست که اسلام با وضع احکام و قوانینی حقوق کودک را به ایشان خاطر نشان می کند تا سر حد امکان از آسیب هایی که سلامت جسم و جان کودک را به خطر می اندازد جلوگیری کند.

در شریعت اسلام این احکام و حقوق از زمان دمیده شدن روح بلکه قبل از آن، تا هنگام نو جوانی و بلوغ تشریح شده است؛ همچنین قانون مدنی ایران که نشأت گرفته از فقه نورانی اسلام است این حقوق را به صورت ماده واحده های قانونی مقرر می کند؛ لذا با نگاه دقیق و موشکافانه ای حقوق مربوط به دوران کودکی را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

در این تحقیق از ابتدایی ترین حقوق کودک بعد از تولد که اعم از انجام مراسم مذهبی، حقوق اساسی کودک در دوران شیر خواری، شیوه های مهرورزی به کودکان و رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان، وفای به عهد و ... تا مهم ترین و حساس ترین حقوق کودک یعنی همان تعلیم و تربیت در سنین آموزش که خود شامل آموزش خواندن و نوشتن، آموزش مفاهیم اخلاقی و قرآنی، تربیت شخصیت معنوی و اجتماعی کودک بر اساس آموزه های دینی و ... می باشد مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و در ضمن بیان حقوق به بررسی احکام فقهی در قالب موضوعاتی از قبیل حضانت و ولایت که مباحثی همچون سرپرستی کودک و اداره ی امور مالی وی و ... را شامل می شود مورد کنکاش قرار می گیرد.

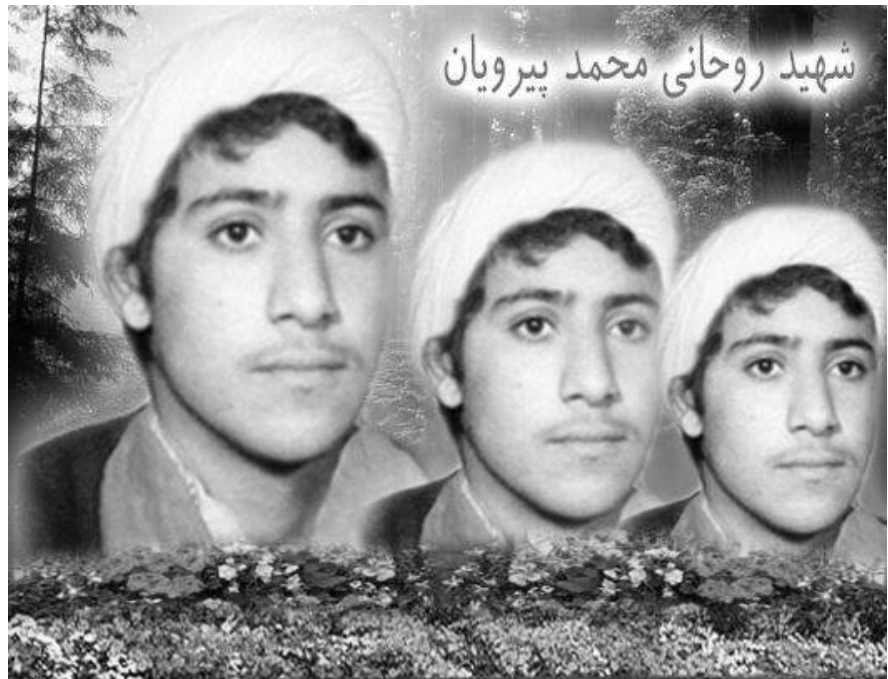
موضوع: لهو و لعب و مصادیق آن در قرآن و حدیث

پژوهشگر: سیده مریم بازاریار

با نگاهی اجمالی به آیات قرآن کریم، در می یابیم که هدف از آفرینش جهان هستی برای بهره بردن انسان از آن و رسیدن به سعادت و کمال ابدی است.

از طرف دیگر دل بستن به زندگی مادی دنیا و تعلقات آن را به عنوان سرگرمی و بازیچه معرفی کرده است در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام)، ضمن تذکر این مسئله مهم به عموم انسان ها و بخصوص مؤمنین، آنان را از پرداختن به امور بیهوده و سرگرم کننده ای که هیچ نفع دنیایی و آخرتی ندارند، برحذر می دارد.

تحقیق حاضر بر آن است تا با بررسی آیات نورانی کتاب الله و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، مفهوم و مصادیق لهو و لعب و عوامل گرایش به آن، و نیز آثار پرداختن به آن را بیان و راهکار هایی را جهت اجتناب و دور ماندن از این امور برای شیفتگان به معارف الهی ارائه نماید



باب اول

زندگینامه

طلبه شهید

کلاس اول راهنمایی بود که توسط برادرش «شهید علی اکبر پیرویان» آشنا و آگاه به مسایل سیاسی-مذهبی شده بود و چون تشنه دیدار يك جامعه اسلامی بود؛ همزمان با فریاد های خدا خواهانه امام، فریاد خود را بین جماعت مردم میبرد. برای سرعت بخشیدن پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های خود را با جان و دل شروع میکرد و هر روز با بهانه های جدیدی دانش آموزان را جهت تظاهرات به خیابان ها می برد.

بعد از پیروزی انقلاب، محمد به جبهه های حق علیه باطل می رود تا این که سر انجام در ۱۳۶۲/۱/۲۱ شربت شهادت را می نوشد.

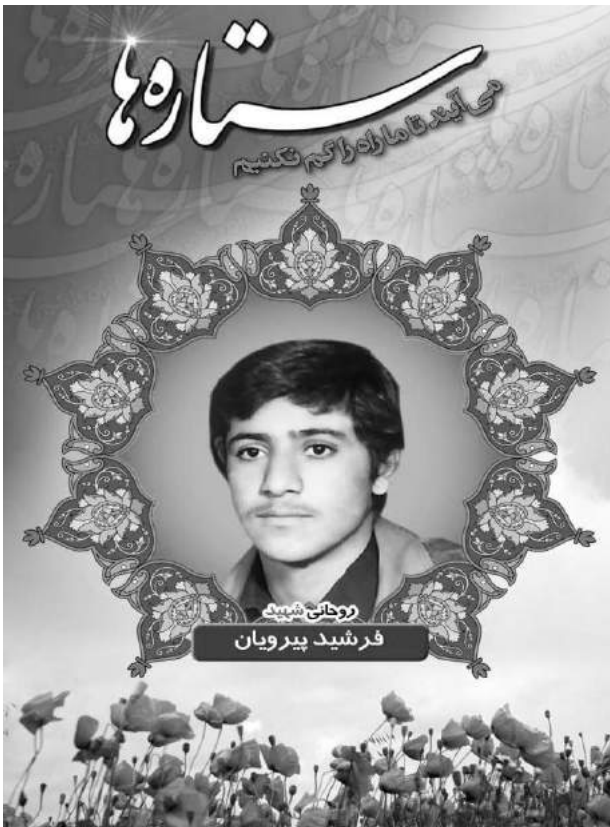
«روح بلندش در جوار اولیاء الهی همواره متنعم باد.»

اینک بر برگ های زرین کتاب خاطراتمان حماسه ی آنانی را می نگاریم که نسل فردا بر اینارشان آفرین میگویند. در کرانه ای از عالم وجود بر سطر های دفتر آفرینش، نامی آشنا چشم را می نوازد؛ مردی از دیار کوه های بلند آمده تا قصه جاوید حماسه ی ایثار را بار دیگر بر گلبرگ های شقایق بنگارد. شهید «محمد پیرویان» از دامنه های ایثار، با دوبال عشق بر فراز قله بندگی ایستاد تا خضوع خویش را با پیکری خونین به آسمانین نشان دهد.

شهید روحانی، محمد پیرویان در سال ۱۳۴۵ در شهرستان کازرون متولد شد، دو ساله بود که به اتفاق خانواده اش به شهرستان نورآباد ممسنی رفت و در همان جا دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه ایزدی گذراند در اوایل انقلاب، وی

بوسیله صحبت‌هایتان.

مطلبی است که همه باید به آن توجه داشته باشیم که از زمان حضرت آدم (صلی الله علیه و آله) که اسلام بود، همانطور ظلمی هم در کنارش بوده تاکنون و بر ما امت هابیل است که بر علیه امت قاییل بجنگیم. ما که می‌گوییم همه مسلمانان برابر و برادرند و تمام سرزمین‌هایی که مسلمانی در آن است متعلق به تمام مسلمین است، پس هنگام دفاع بر همه ما است که از آنها دفاع کنیم و اگر مسلمانان عراق بر علیه ظلم صدامی برپا خیزند، بر ما است که هم از نظر تجهیزات نظامی و هم تجهیزات فکری به آنها کمک کنیم.



عزیزان باید سعی کنند اعمال خود را خالص کنند که کارها را فقط برای رضای خداوند انجام دهند، تبعیض را باید کنار

باب دوم

وصیت نامه

خداوندا! برادران و خواهرانی که در سنگر تو، آنهایی که مخلصانه خدمت می‌کنند، پیروز و موید بفرما و خصوصا برادران و خواهران طلاب را در درس‌هایشان و مطالعاتشان پیروز بگردان و به آنها استعداد فراوان عطا بفرما تا برای امت خودت مفید باشند و جامعه‌ای مورد میل خودت بسازند.

از شما برادران و خواهران (طلاب) می‌خواهم که در سه‌پایتان را با دقت بخوانید و استادان معظم حوزه را گرامی بدارید و از آنها قدردانی و تشکر بنمایید که حتما این کار را انجام می‌دهید، در برابر مشکلات صبر و استقامت پیشه کنید چرا که خداوند در سوره عنکبوت آیه دو می‌فرماید:

«احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون» (عنکبوت/۲)

آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف آن که گفتند ایمان به خدا آورده ایم، رهایشان کنند و همین امتحانشان نکنند؟ پس صبر و استقامت پیشه کنید و از گروه صابران باشید. چه در امر درس و چه در سایر کارها و بهتر از آن، از گروهی باشید که خداوند می‌خواهد که در دنیا مشکلات را بسویشان آورند و هرکجا که می‌روید تبلیغ کنید، چه بوسیله اعمالتان و ایشار و فداکاریتان و چه

«المومن كجبل الراسخ لا يحرکه الاواصف» . باید مقاومت کنیم و با سلاح ایمان و توکل به خدای متعال پوزه آنها را بکوبیم.

در آخر پیامی به خانواده گرامی ام :

از شما می خواهم مرا حلال کنید و ببخشید از این که بدون اجازه و خبر شما به میدان رفتم چون که من خیلی به جبهه احتیاج داشتم ، رفتم و این افتخار عظیم نصیبم شد. حال شما اگر مرا نبخشید شاید در آتش قیامت بسوزم. وصیتی که به شما دارم این است که در مراسم و مجالس دعا (کمیل و توسل) شرکت داشته باشید و اگر ممکن است هر روز زیارت عاشورا را بخوانید و آن هم دعاها و نمازها را با حضور قلب بخوانید که خواندن نماز با حضور قلب ، فایده بخش است و گرنه بی فایده.

مادر عزیزم: از تو میخواهم که حتما خواهر کوچکم را همان طوری که اکبر را بزرگ کردی او را نیز بزرگ کن و بعد او را به حوزه علمیه، بفرست.

مطلبی دیگر که تمام خانواده ها باید بدانند این است که اسلام همیشه احتیاج به خون دارد تا زمانی که خون دادن و فداکاری و ایثار است ، اسلام زنده است و اگر در این دنیای فانی سختی و ناراحتی بکشند ، در آن دنیای باقی در بهترین جای بهشت قرار خواهند گرفت.

[والسلام علیکم و رحمه الله]

گذاشت و نفس اماره را سرکوب کرد. در کارهای خود مراقبت را رعایت کنید و حتما محاسبه را انجام دهید تا مورد محبت خداوند قرار گیرید.

مطلب مورد توجه این است که ما به جبهه ها نیاز داریم نه اینکه جبهه ها به ما نیاز دارند.

برادران و خواهران! دشمن ما، دشمنی است به ظاهر تنها ولی در اصل با تمام دنیا و با تمام کشورهای استعمارگر دنیا است. ولی در عین حال آنها فقط يك چیز دارند و ما دو چیز و همیشه دو چیز متحد بر يك چیز واحد می تواند غلبه پیدا کند. آنها تکیه شان بر سلاح است و مهمات ، همه چیزشان همین است ولی ما هم سلاح و هم ایمان را داریم. ایمان به معاد، به غیب ، به الله و میدانیم که جبهه ای که این چیزها را داشته باشد ، همیشه غالب است. کسی که با اسلام بجنگد ، یعنی با خدا می جنگد و هر کس که با خدا بجنگد، نابودیش حتمی است.

بدانید که اگر این جنگ الان پایان پذیرد، جنگ های زیادی در پیش داریم و تا نابودی ظلم و ستم جنگ وجود دارد و زمانی که ظلم از بین برود، همه در زیر يك چتر واحد زندگی می کنیم[دیگر] نه ناراحتی بوجود می آید و نه جنگی.

شما عزیزان هر کجا که هستید، سنگر خود را حفظ کنید و به فعالیت های خود ادامه دهید تا نابودی ظلم و ستم و استعمار شرق و غرب. ما مسلمانان باید که مقابل این تهدیدها [که همانند باد است] در مقابل کوه که می فرمایند:

امر به معروف و نهی از منکر

ملیحه عوض زاده

وقت زیاد از مخاطب باعث دلزدگی وی خواهد شد و باعث می‌شود مخاطب در اتخاذ موضع مخالف مصمم‌تر شده و لجبازی کند.

• متانت

رعایت متانت و ادب در امر به معروف و نهی از منکر، سخن آمر و ناهی را شنیدنی‌تر و اثر آنرا بیشتر می‌کند. مثلا اگر به کسی که دیگران را مسخره می‌کند گفته شود: "انسان باشخصیت دیگران را مسخره نمی‌کند" با این جمله که گفته شود: "بی‌مزگی نکن" تفاوت بسیار دارد. جمله اول را مخاطب قطعاً با میل و رضایت بیشتری گوش می‌کند؛ و درمقابل جمله دوم به احتمال زیاد موضع‌گیری مخالف خواهد داشت.

• جدیت

الفاظ تذکر و امر و نهی باید جدی و به دور از هرگونه شوخی، هزل و تسامح باشد. اگر در امر و نهی زبانی و کلام، آمر و ناهی موضوع را به مسخره بگیرد، مخاطب نیز به شوخی و مسخره می‌گیرد. جدیت داشتن در کلام ضریب نفوذ و اثر کلام را بیشتر خواهد کرد.

• اعتدال

کلمات باید از هرگونه افراط و تفریط به دور باشد. مثلاً نباید در امر و نهی مکروه را حرام جلوه داد یا گناه و

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر زبانی از رایج‌ترین و مؤثرترین راه‌های امر و نهی به شمار می‌رود و بسیاری از چالش‌ها و مشکلات و موانع عمل و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در قبول و پذیرش از سوی مخاطبان با رعایت اصول امر به معروف و نهی از منکر زبانی از بین می‌رود. زیرا نکات زیر اثر اجرای بیشتر خواهد کرد:

• شیوایی

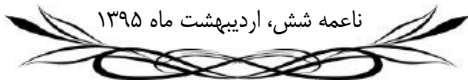
در امر و نهی زبانی باید از بهترین کلمات و جملات ممکن استفاده کرد؛ قطعاً بیان شیوا و بلیغ در مخاطب اثر بیشتری خواهد گذاشت و سخن را شنیدنی‌تر جلوه خواهد داد. از این‌رو رعایت نکات بلاغت و شیوایی سخن ضریب اثر کلام را در مخاطب بیشتر می‌کند.

• صراحت

صراحت کلام در امر و نهی زبانی باید به گونه‌ای باشد که مخاطب به سرعت متوجه موضوع شود. عدم رعایت صراحت لازم در بیان امر و نهی و استفاده از گوشه و کنایه‌های ناشیانه و بی‌ربط مخاطب را سردرگم و امر و نهی را بی‌تأثیر خواهد کرد.

• اختصار

کلام باید تا جایی که ممکن است مختصر و مفید فایده باشد، اطاله کلام در امر به معروف و نهی از منکر و گرفتن



در ذهن مخاطب این را متبادر می‌کند که آمر یا ناهی قصد توهین و تحقیر وی را دارد، از این‌رو در کمترین عکس‌العمل هیچ توجهی به کلام آمر یا ناهی نمی‌کند و حتی ممکن است برخورد تندی نماید.

البته این احترام باید به اندازه و در حد مورد نیاز باشد و نباید درحالت افراطی تبدیل به تواضع بیش از حد در مقابل گنهکار شود و برای وی ذهنیت دیگری ایجاد کند.

• سلام کردن

سلام کلید ارتباط و گفتگو است، وقتی که در پی سلام کردن ارتباط برقرار شد، قسمتی از ماموریت انجام گرفته است و راه برای ادامه کار گشوده می‌گردد.

• تقویت روابط

روابط شما با خانواده و دوستان و افرادی که نقش مهمی در زندگی شما ایفا می‌کنند، نباید مورد غفلت واقع شوند. با این افراد بیرون بروید و ساعات خوشی را با هم بگذرانید. کارهای دلپذیری با هم انجام دهید تا زمانیکه کار نادرستی از آنها سر زد تذکر شما مؤثر باشد. یعنی روابط خوب شما با دیگران به شما کمک می‌کند عنوان يك فرد دوست‌داشتنی در موقعیت يك فرد برنده قرار گیرید.

• پرورش شخصیت

آیا شما بد اخلاق، ترش‌رو و اخمو هستید. با این حالتها نمی‌توانید امر به معروف موفقی داشته باشید. از شر رفتارها و عاداتهای بد خود خلاص شوید. چون یکی از بزرگترین موانع پیشرفت شما هستند. چه کسی حرفی را از انسان بد اخلاق قبول می‌کند؟

نشریه صاحبین، سال ۲، شماره ۵

معصیت صغیره را بزرگ و کبیره دانست یا برعکس گناه کبیره را کوچک شمرده و آن را صغیره جلوه داد.

• سلامت

اگرچه گناه گنهکار و ارتکاب آن باعث ناراحتی و عصبانیت آمر و ناهی می‌شود، اما تذکر دهنده نباید برای امیال شخصی و تخلیه عصبانیت خود به گنهکار توهین کند یا ناسزا بگوید. این کار اثر بسیار بدی خواهد داشت و گنهکار را برگناه خود مصمم‌تر و درمقابل حرف حق لجوج‌تر خواهد کرد. درحالی که هدف از امر به معروف و نهی از منکر اصلاح دیگران و درنهایت جامعه است و امر و نهی با دخالت امیال شخصی و عصبانیت و توهین فایده‌ای ندارد حتی شرایط را بدتر و آلوده‌تر می‌کند.

• عطوفت

کلمات مورد استفاده در امر و نهی باید با مهربانی و محبت آراسته باشد. استفاده از کلماتی ه نماد عطوفت و نزدیکی با مخاطب است، سبب می‌شود که مخاطب امر و نهی با آمر یا ناهی احساس بهتری داشته باشد و این صمیمیت و نزدیکی، پذیرش مخاطب را بالا برده و اثر تذکر را زیاد می‌کند.

البته که در امر به معروف و نهی از منکر اصل بر مهربانی و عطوفت است، اما در جایی که لازم است بنا به تشخیص صحیح و با فکر و درای، برخورد جدیت و غلظت بیشتری انجام شود.

• اکرام و احترام

استفاده از ادبیات محترمانه و اکرام شخصیت مخاطب در کلام بسیار مهم است. آنچنان که عدم رعایت این نکته

جدول

ملیحه عوض زاده

از محیط به مرکز :

- ۱) از مراحل سیر و سلوک در حدیث قدسی "من طلبنی وجدنی . . ."
- ۲) خاندان
- ۳) رایحه و بوی خوش
- ۴) از مراحل سیر و سلوک در حدیث قدسی "من طلبنی وجدنی"
- ۵) یکدانه و بی نظیر
- ۶) از مراحل سیر و سلوک در حدیث قدسی "من طلبنی وجدنی"
- ۷) از مراحل سیر و سلوک در حدیث قدسی "من طلبنی وجدنی"
- ۸) لقب اسپانیایی
- ۹) از صفات خداوند به معنای بخشنده که در آیه هشت سوره ال عمران آمده است .
- ۱۰) از این طرف بی خواب، از آن طرف قاریان
- ۱۱) تنگه ای بین تپه های رملی و هورالهیوزه که از نظر نظامی بسیار مهم است
- ۱۲) روئیدن و رستن، همچنین کاشت گیاه

شروع از خانه هایی است که در داخل جدول شماره گذاری

شده است (در جهت عقربه های ساعت)

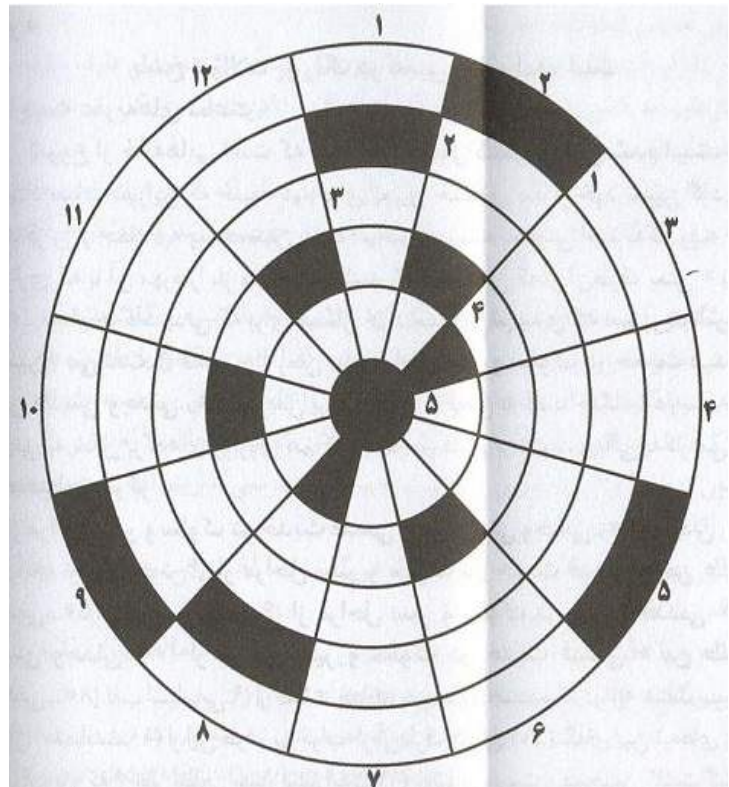
۱) تعداد نفرات شورایی که خلیفه دوم برای تعیین خلیفه ی بعد از خود تعیین کرد- در آیات قرآن از جمله آیه پنجاه و شش سوره اعراف این ریشه به معنی امید به کار رفته است - ابزاری که با آن مهره باز و بسته می کنند .

۲) لفظ عربی که از آن طرف یعنی " بر آن دو"

۳) شهیدی که سر بریده اش اذان می گفت

۴) قسمتی از زمان - از مراحل سیر و سلوک در حدیث قدسی " من طلبنی وجدنی . . ."

۵) دویدن بر سر کسی یا قومی به قصد جنگ یا غارت - نقش تزئینی به شکل برگ های روبروی هم که بیشتر در قالی، ترمه و زری بافی به کار می رود .





با اقتصاد مقاومتی به جنگ مشکلات اقتصاد برویم

اگر ما بخواهیم مشکل رکود، تولید داخلی، بیکاری و گرانی را حل کنیم، علاج همه‌ی اینها در مجموعه‌ی مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی گنجانده شده است. با اقتصاد مقاومتی باید به جنگ اینها رفت...

پیام نوروزی آغاز سال ۱۳۹۵

KHAMENEI.IR

۱۳۹۵



۱۰ پیشنهاد رهبری برای نجات اقتصاد کشور :

۱ - تمرکز بر فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی

مزیت‌دار کشور؛

۲ - زنده کردن تولید داخلی؛

۳ - پرهیز از واردات تضعیف‌کننده‌ی

تولید داخلی؛

۴ - پرهیز از هدر دادن منابع مالی‌ای که

پس از برجام باید وارد کشور شود؛

۵ - دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم و

حساس اقتصادی؛

۶ - احیای بخش‌های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه‌گذاری شده؛

۷ - شرطا انتقال فناوری در معاملات خارجی؛

۸ - مبارزه‌ی جدی با فساد، ویژه‌خواری و قاچاق در کشور؛

۹ - ارتقای بهره‌وری انرژی؛

۱۰ - نگاه ویژه به صنایع متوسط و کوچک.



امام خامنه‌ای - ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

حرم مطهر رضوی